

## مدیر کل

جلال‌الدین الحسینی مؤید الاسلام  
صاحب امتیاز روزنامه هفتگی  
ویومی (جلالتین)  
(عنوان مراسلات)  
طهران خیابان لاله زار  
نایب مدیر میرزا سید حسن کاشانی  
دبیر اداره آشیخ بچی کاشانی  
غیر از روزهای جمعه همه روزه  
طبع و توزیع میشود

## یومی

## سپهرالملکین

۱۳۱۱

## طهران

## قیمت اشتراك سالیانه

طهران ۴۰ قران  
سایر بلاد داخله ۴۵ قران  
روسیه و قفقاز ۱۰ منات  
سایر ممالک خارجه ۳۰ فرانک  
(قیمت يك نسخه)  
در طهران يكصد دینار  
سایر بلاد ایران سه شاهی است  
قیمت اعلان سطر  
دو قران است

(روزنامه یومی من آزاد سیاسی اخباری تجاری علمی ادبی مقالات عام المنفعه)  
(بامضا قبول و درانتشارش اداره آزاد است ومطلقا مسترد نمی شود)

چهارشنبه ۱۷ ذی الحجه ۱۳۲۵ هجری قمری و ۵ بهمنماه جلالی ۸۲۹ و ۲۱ زانویه ۱۹۰۸ میلادی

نظر دیگران است و از نقاط متعدده میتوان بدان جاده برد  
حفظ نماید بیشتر در باره دولت پوشالی سعی میشود  
چنانکه در صد سال اخیر و بیشتر تمام مساعی انگلیس  
در ایران این بوده که مملکت ما را بین روسیه و هندوستان  
دولت پوشالی قرار دهد اول سفیر انگلیسی که بایران  
آمد برای این بود که خیالات ناپلئون را که میخواست  
باتفاق روسها از راه ایران به هندوستان برود جلو گیری  
نماید و از آن بعد هم تمام جد و جهد انگلیس در ایران  
برای همین مقصود یعنی سد کردن راه هندوستان بوده  
است حال به بینیم دول پوشالی چه قسم باید باشند در  
قدیم الایام لشکران میبایست پیاده راه نزدیک باشد خواه دور  
و ولایات عبور نمایند خواه راه نزدیک باشد خواه دور  
و در همان ممالک تحصیل آذوقه و خوراک و علوفه برای  
خودشان و اسب و مالشان نمایند در واقع لشکر حکم ماری  
داشت که بر شکم خود حرکت میکند و باینواسطه آن  
دول بزرگ ما بین خودشان و ممالکی که از آن بیم داشتند  
دول پوشالی تهیه میکردند باین طریق که اراضی وسیع زیاد  
در آن بین بایر و بی آبادی نگاه میداشتند و بهمین  
دلیل است که دول معظمه آشوری و بابل و مصر در  
مواقع چند فلسطین و سوریه و ممالک دیگر را که در بین  
بود خراب و بایر کرده اند آبادیها را خراب کرده  
و سوزانده و هزارها سکنه بدیخت را از وطن خود آواره  
کرده باماکن بیده مهاجرت داده اند و غرض اصلی  
این بوده که حرکت قشون را از مصر بناوخی شط العرب  
یا عکس آنرا غیر ممکن نمایند نیز بهمین دلیل عثمانیها  
در زمان صفویه مکرر ولایات وسیع را بین مرکز  
دولتین خراب کرده و سوزانیده و از آبادی انداخته اند

(۰) (۰) بلیک دولتی راجع بشماره ۲۱۰ (۰) [۰]  
هر وقت ما در ایران چنان امنیت و اطمینان فراهم  
کنیم که هر کس یقین داشته باشد که اگر موثرب بیجهت  
از سر او کم شود وسائل و قوانینی هست که بطور حتم  
آزار کننده را مجازات میدهد پول از خارج وارد ایران  
خواهد شد و قرار داد انگلیس و روس بهترین اسباب  
اطمینان ماست که بعدها هیچک از این دو دولت اقدامی  
برای منع ورود پول نخواهند کرد معمای قرار داد  
روس و انگلیس را مالبطور میخوانیم و بر مطالعه کنندگان  
است که صحت و سقم رأی ما را تمیز دهند در این  
صد سال اخیر بلکه بیشتر که انگلیس بر هندوستان دست  
انداخت مادر سر راه دشمنی از انگلیس بودیم که میخواست  
خود را به هندوستان برساند و در این مدت غرض انگلیس  
این بود که ایراترا بحال دولت پوشالی نگاه دارد و اگر  
مطالعه کنندگان بخوانند بدانند دولت پوشالی چیست بتوسط  
بعضی مثالها توضیح میکنیم هر وقت میخواهند اشیاء  
شکستی را در صندوق ببندند و حمل و نقل کنند  
چون تکان و صدمه میخورد و ممکن است بشکند بنبه  
و پشم و کاغذ و خورده اهره بعبارة آخری پوشال در صندوق  
میریزند و ما بین آن اشیاء قرار میدهند که آنها بیکدیگر  
نخورند و صدمه نبینند و هر وقت دو شیئی متحرک در  
محل احتمال باشند که بیکدیگر بخورند روی یکی از آنها  
یا روی هر دو پوشال میکذارند که اگر بهم خوردند  
مصابیه را بموقوف یا خفیف کند همین طور دو دشمن  
قوی هر وقت ببینند که با یکدیگر فاصله پیدا کرده اند  
که ممکن است بهم بخورند دول پوشالی بین خود قرار  
میدهند و آنکه میخواهد مملکت با ثروتی را که مطمح

که نتیجه همان ترقیات بود زیر سر انگلیسها و مصالح ایشان بوده است —

این صد ساله که مادوله پوشالی بوده ایم عایق ترقی ما شده و ما را بحال فقر نگاه داشته از طرق و شوارع محروم ساخته و در میان ملک ضعیف نموده و هزاران ایرانی را در تمام سطح زمین پراکنده و آواره کرده و مانع شده از اینکه پرتو مردانگی و وطن پرستی برجی از مردمان فقیر که باین ذله و نکبه سر میکردند تسلیدکن ما حق نداریم به کسانی که ما را باین روز انداختند ملامت کنیم و بجای که بتلیم زیرا که آنها تکلیف خود را نسبت به وطن خویش بعمل آورده و کار خود را صورت داده اند تکلیف ما هم این بود که مصلحت خودمان را درک کنیم و منافع خویش را حفظ نماییم ولی ما نه آن را درک کردیم و نه اقدامی بجهت حفظ آن نمودیم اگر ما ادراک و وطن پرستی نداشته ایم و مردمان بیصرف و بمنزله چوب پوسیده و آشغال و زنده بیفایده بوده و قابله پوشالی داشته ایم کسی کنایه ندارد و بر دیگران بخنی نیست که ما را بزور داخل در راه صحیح نکرده اند ما را مستعد پوشالی دیدند باین مصرف رسانیدند ولی بهمین جهت از مستهلک شدن در دول دیگر هم ما را محفوظ داشتند و نگذاشتند جزء همسایه شویم بهر حال امروز بخدمت در عالم نشو و نما از مقام پوشالی بیرون آمده ایم معاهده انگلیس و روس بر ما معلوم میکند که افغانستان و تبت باید همواره پوشال باشند اما قسمت عمده از ایران بعد ازین سر راه هندوستان نیست و دولتی آزاد خواهد بود که باتمام علم هر معامله میخواهد بکند بنا برین من بعد کسی در صدد تضعیف ما نخواهد بود و از ساختن و اصلاح راههای ما ممانعت نخواهد کرد بلکه برعکس اگر ما عاقل باشیم و بخواهیم کار کنیم هم روسها و هم انگلیسها بما از بابت پول و آدم کمک خواهند کرد و اگر نکنند خودشان مقبول هستند قوانین صحیح پول و مردم تمام اقطار عالم را رادار خواهد کرد که بمملکت ما بیایند قوانین ثروت ما هم مثل قوانین طبیعی یا ریاضی ثابت و تغیر ناپذیر است و اگر از آن قوانین استعانت بجوییم و با آنها چنانکه تا بحال مخالفت میکردیم نکنیم یقیناً از همسایگان منتفع میشویم

قبل از ختم بیان دول پوشالی این مطلب را هم خاطر نشان مطالعه کنندگان میکنیم که طریقه جدید فراهم کردن پوشال بما خبی صدمه و ضرر وارد آورده لکن جزیه مهمی از سعادت ما و تمام امیدواری آینده ما که باید مبنی بر مشروطیت و قانون اساسی و پارلمان ما باشد نتیجه همین شیوه ظالمانه تهیه دول پوشالی است و این نکته را انشاءتاً در مقاله دیگری توضیح خواهیم نمود

این بود طریقه تهیه دول پوشالی در سوانف ایام اما با تریات و اسباب جدید حربی با وجود کشتی بخار و راه آهن طریقه ناقصه سابق الذکر را نمیتوان معمول داشت و بی ثمر است علاوه بر این دوره تمدن اقتضای چنین مسلکی نمیکند و اگر دولتی بخواهد اینطور رفتار کند و آن شیوه را اختیار نماید تمام دنیا بر ضد او بر خواهند خواست لهذا دولت پوشالی را در این ایام باید بتدیر تهیه کرد و طرح صحیحی از ابتدا ریخت و در اجرای آن سعی شد و ثبات بخرج داد مملکتی که میخواهند دولة پوشالی قرار دهند باید سرحدات طولانی داشته باشد تا قشون بسرعت نتواند از آن عبور کند پس باید وسایلی بکار برد که آن دولت ضعیف بشود یا بحال ضعف بماند تا نتواند قشون حمله و رعاوت نماید و حتی الامکان باید آنرا فقیر نگاه داشت که بلاد آباد و زراعت و محصول زیاد نداشته باشد تا اگر قشونی از آن عبور میکند آذوقه و اسباب رفاه بچک نیابد مخصوصاً باید طرق و شوارع خوب دارا نباشد که بسرعت بتوان در آن حرکت کرد حال اگر این امر را در نظر بگیرید و باین نظر تاریخ ایران را بخوانید رفتار انگلیسها در این مملکت بخوبی بر شما مکشوف خواهد شد و خواهید دید که میخواهند ما را یکی از دول پوشالی خودشان قرار دهند و ما را باین حال نگاه میداشتند تا کنون که قرار داد روس و انگلیس داده و امضا شده است و اگر بخواهیم انصاف بدهیم باید بگوئیم موقع جنرال فینان ما ما را یکی از دول پوشالی اطراف هندوستان قرار داده و چیزی که ما را از این مقام تماماً خسران بود خارج کرده و مستخلص ساخته در حقیقت فتوحات ژاپن و غلبه او بر روسیه است باین معنا که اکنون بعد از جنگ روس و ژاپن انگلیس دیگر از مقاصد روسیه نسبت به هندوستان نیت رسد و اگر درست فکر کنیم خواهیم دید وجود پارلمان و قانون اساسی ما و استخلاص ما از تحت قیمومت دو همسایه مقتدر خودمان در میدان جنگ منجوری مسلم شد غرض توهای ژاپن تصرفات عمده در عالم کرد از جمله اینکه ما را از دوراه آزاد نمود اینست که قوانین علم ثروت نتایج عجیبه میدهد چهل مردم چین در مسائل تجارتی و معاملات باعث میشود که میزان پول در فرانسه و سایر ممالک بجای نقره طلا شود و منافع تجارتی یک جزیره کوچک بعدی که در اوقات قهر و غلبه ما بر دول آشور و بابل و تاخت و تاز ما بر یونان و بسیاری از نقاط اروپا و مصر و فلسطین و هندوستان و غیرها وجود آن مجهول بود متجاوز از صد سال مملکت ما را دوچار سحر و جادو نموده و بعد از آن با زهمان مصلحت تجارتی ما را از بند آن سحر و جادو نجات میبخشد و ضمناً باید بخاطر داشت که یک قسمت عمده از ترقیات ژاپن و فتوحات آن

اکنون که ما از مقام دولت پوشالی خارج شده ایم به بینیم حال آینده ما چه خواهد بود این بیشتر بدست خودمان است و مایکی از چند امر را میتوانیم اختیار کنیم یکی اینکه نسبت به مسایکن حال تجارت پیدا کنیم و میان خودمان متصل نزاع و اختلاف داشته باشیم و مملکت را از امنیه عاری نماییم و همسایگان را مجبور کنیم که بالشکر در کار ما مداخله کنند و مملکت را تقسیم نمایند این یک نوع عاقبت کار ماست طریق دیگر اینست که بمنزله یک کله مرغ واقع شویم که بجهت صاحبان و مراقبه کنندگان خود تخم میگذارند با اسامی و عناوین جدید بهمان شیوه قدیم قناعت کنیم بیکار و بیخیال بناییم و همان راه رفتن و دانه برچیدن سابق را اعاده کنیم و غالباً خواب باشیم همسایه های ما هم که گاه بآن کمک کنند و بقدری خوراک بماندهند که بخوریم و برای آنها تخم بگذاریم و هر وقت از حدود بهار بند خود تجاوز کنیم نهیبی بماندهند و ما را به آشنایه خود مراجعت دهند — قسم دیگر اینست که آدم شویم و چشم و گوش را باز کنیم مثل مردمان باهوش آزاد درست کار کنیم و از روی آرامی و سلامت به آبادی و ترقی مملکت خود مشغول باشیم و مستعد حفظ آن گردیم و اگر این راه آخری را هم بخواییم اختیار کنیم باید همان کاری را که تمام ملل آزاد از اول دنیا تا کنون کرده اند و حالا هم دول مشروطه میکنند بکنیم اعلیحضرت معظم و شاهنشاه کار آگاه کل مملکت ایران و ولینعمت خودمان را باید کاری کنیم که در قلوب ما و سرهای ما بعنوان مجسمه نظم و قدرت ملة سلطنته داشته باشد و از او استعدا کنیم که پیشرو مشروطیت و پارلمان ما شود و ما را بجای ببرد که پارلمانهای سایر ملل آنها را برده اند قوانین اصلیه هر اداره دولتی را باید بعبه و متوالیا وضع نمود و جزئیات و تغییر و تبدیلات آنها را برای بعد ها گذاشت پارلمان را بمجملات بزرگ قوانین گفته که بیست یا سی سال قبل نوشته شده مثل آنکه امین السلطان برای وزارت داخله اظهار میکرد نباید فریب داد در باب جزئیات بی اهمیت نباید نزاع کرد که این کارها را مغرضین برای آن میکنند که شما مشغول نزاع باشید و آنها خیالات خود را صورت دهند ضمناً تمام قوای مملکت را از سر بازان داو طلب و سواران و ایلات و غیره باید بکار انداخت و حاضر کرد از قرار داد انگلیس و روس ظاهر میشود که بعد ها همسایه های ما میخواهند با ما بطور تاجر معامله کنند پس ما هم باید حساب و دفتر خود را پاکیزه و مرتب نگاه بداریم و مثل مردمان کاری رفتار کرده درستی و امانت و دیانترا نسبت به ایشان اختیار نماییم در داد و ستد راه اعتدال رویم و حاضر باشیم که بجهت پیشرفت دعاوی صحیحه خودمان تا جان

داریم بکوشیم و در اینصورت باید یقین داشته باشیم که مغیون نخواهیم شد برای فریب دادن تجار ایرانی مردمان بسیار باهوش لازم است و از قراریکه مفهمیم دو همسایه معتبر ما با ما معامله تجارت میخواهند بکنند یعنی این شیوه را اختیار نمایند و به بینند نتیجه آن چه خواهد شد پس ماباید مراقب باشیم که مردمان بی مصرفی نشویم که فقط برای آنها تخم بگذاریم بلکه مردمانی باشیم حاضر برای دادن و گرفتن و مستعد اینکه در معامله بهره و نفع را بسوی خود بکشاییم

در مقاله دیگری بتفصیل اقدامات را که باید مردم ایران بالانفراد و بالاجماع بتوسط پارلمان خود بکنند تا شرایط صحیحه ترقی مملکت و مخصوصاً تجارت را فراهم آورند نقل خواهیم کرد و مسلم است که اگر ما همواره مشغول جزت و پندگی باشیم دیگران اوضاع جدید بلبیکی را که برای ایران پیش آمده معتمن خواهند شمرد و غنائم را که طبیعت و خداوند در مملکت ما برای ما فراهم آورده از چنگ ما خواهند ربود (امضا کابوس)

روزنامه نمره ۲۰۲ را ملاحظه نموده خلاصه مکتوب بغداد چون راجع بمخلص بود لهذا این مختصر را مزاحم شد و جواب مکتوب را نخواسم مفصلاً بنویسم این بود که خودم شرفیاب شدم و اسناد راجعه بعمل بدهی تجار استرآبادی را بنظر عالی رساندم تا لقا شپه نشده و حقوق حقه مشروعه ثابته عبادالله که موافق حکم مرحوم مغفور اخوند ملا لطف الله اعلی الله مقامه که حضرت آیت الله اخوند ملا محمد کاظم خراسانی و حضرت حاجت الاسلام اخوند ملا عبدالله مازندرانی و مرحوم حاجی سید ابوالقاسم اشکوری حکم بر نفاذ آن فرموده اند ثابت و مسلم است تضرع نشده و شرف مأمور محترم که بجزئی حکمی بوده است پایمال غرض نشود و اگر استرآبادیها در مقابل این حکم محکم سندی که جواب کوباشد داشتند در ظرف چند سال مطالبه داعیان بوزارت امور خارجه میفرستادند یا چنانکه وزارت خارجه حکم شده بود که یکدو نفر از استرآبادیها با وکاله ثابت با اسناد و اوراق بدارالخلافت آمده در دیوانخانه عدلیه اعظم رسیدگی بشود امتناع نمیکردند یا وکیل میفرستادند عدم تمکین آنها باین حکم عادلانه دلیل بظرفه و مسامحه آنها و خوردن مال بندگان خدا است چون اداره محترمه جبل المتین شرح حقانیت دعا کو را استماع فرموده و مواد احکام شرعی که اصل آن در نزد جناب مستطاب آقای امین الممالک موجود و حاضر است دیده اند لازم بشرح و بسط نمیداند (یحیی ابن اصف الدوله قاجار)

نکند و دفع شر اینها از خود و از ملة و مملکه نمایند (این قافله تا بمشرك است) — و این هم کار پرزحمتی نیست در هر ولایتی دو سه نفر بیشتر عده اینها نیستا کر دولة و ملة بهم راست بگویند دو نفر و سه نفر با يك ولایتی چه میتواند بکنند ولی افسوس از ماست که بر ماست فدائی فداشیمان ملة (بهادر السلطنه کرد)

### ﴿بلای ناکهائی﴾

از قرار خبر تلگرافی شب سیزدهم ماه جاری در شیراز سبل عظیمی آمده بانصد خانه را آب بکلی برده و تلاقات جائی زیادی نیز واقع شده است الان قریب پنج هزار قریبی خانه و لانه در صحرا زندگی مینمایند — سالار السلطان و نصر الدوله آنچه ممکنشان بوده اعانه داده اند و نیز دفتر اعانه باز نموده اند و از وزراء و بزرگان طهران تلگرافا نیز خواهش اعانه کرده اند که بدوا اقدام باعانه دادن در طهران نمود صدر الانام شیرازی است که پنجاه تومان حواله کرده اند — در این موقع خیلی مناسب است قوام الملک و سایر بزرگان در بذل اعانه کوتاهی نمایند بموجب همین روز نامه وکیل اداره شیراز از طرف اداره یومیه جبل المتین پنج تومان بصندوق اعانه بدهند و قبض رسید بکبرند

### ﴿رفع اشتباه و سهو﴾

در نمرة ۲۱۰ در ضمن مذاکرات مجلس در اسم وکیل محرمه که آقا میرزا محمد درج کشته اشتباه شده آقا میرزا محمد علی صدر التجار است

### ﴿اخطار﴾

چون یوم پنجشنبه ۱۸ عبد سید غدیر خم است که اول عبد بزرگ موالیان مولای متقیان حضرت امیر صلوات الله علیه است روز نامه طبع نخواهد شد مشترکین عظام منتظر نباشند

### ﴿اعلان﴾

اعضاء انجمن محترم سواد اعظم را اعلان میدارد که انتقاد رسمی انجمن که در عصر جمعه بود بصبح مبدل شد مستدعی آنکه اعضاء انجمن در صبح جمعه ۱۹ حاضر شوند در مرکز انجمن و بلیط عضویت را همراه بیاورند (انجمن سواد اعظم)

### ﴿اعلان﴾

مسیو ریکوپولس معلم زبان آلمانی و معلم موزیک هر کس میل دارد پیاموزد حاضر است (هوتل انگلیس) (حسن الحسینی الکاشانی)

### ﴿جبل المتین﴾

چندی قبل مکتوب مفصلی شکایت آمیز از بغداد باداره رسید محض توجه اولیا امور خلاصه آرا درج نمودیم پس از انتشار آن جناب حاجی شیخ محی خان باداره آمده سواد نوشته جات خود را چنانچه نوشته اند ارائه نمودند بر حسب ظاهر مطلب صحیح است حال طرف مقابل در مقابل این نوشته جات احکامی دارد ما را اطلاعی نیست بر اولیا امور است که رسیده کی نموده حکم بحقیقت نمایند

### ﴿مکتوب از کردستان﴾

خدمت ذیشرافت مستطاب مدیر محترم اداره جلیله روزنامه جبل المتین دامت برکاته

### ﴿تو انحکیم مسیحا دمی در این ایام﴾

### ﴿که در زمان تو زحمة ز خلق بگریزد﴾

ولی با کمال تأسف عرض میکنم امروز بعلت امراض اندرونی و جلدی خودت بمعالجه دیگری نمیتوانید اقدام کنید و آنچه از امراض جنابعلی شنیده میشود درد خود را فراموش خواهیم کرد در هر صورت با اینکه سه پست است روز نامه های حضرتعالی را زیارت نکرده ام محروم مانده ام اینست سواد رقمه و حکم محمد فاضل پاشای فریق و اذیلا عرض میکنیم

عالیجاه رفعة مستطابان برادران دینی علماء و خوانین و کسب اهل سقز دخالة کرده بودید بحضرت خلیفة الرسول م قبول و خلی منون شدیم و سیف الدین خان مظفر السلطنه و بزرگ و قایم مقام خودتان کرده بودید منهم قبول نمودم و از آمدن محمد خان پانه بسقز اطلاع نداشتیم بدون اجازه چرا آمده است

کاغذی هم با نوشتیم که پرورد سرکار خودش و همگی بردان دینی در سر خدمت خودتان مشغول دعا کوئی ذات حضرت خلیفة الرسول م باشید (فریق پاشا)

بطور اختصار عرض میکند

عمانی ها بطور یقین بقوه قهریه هیچ نقطه را متصرف نشده اند و از داخله خودمان بهر جا که دخالة نموده اند دعوت شده اند طهران سواد اعظم و پای تخت سلطنت است ملاحظه مینمایید بی جهة یکی دو نفر نمک بحرام دولة و ملة را بدانطور ما نا راحة کرده اند در هر بلده و ولایتی هم دو سه شاگرد دارند و مثال خر دیزه بمردن خود و بضرر صاحبشان راضی میشوند

بنده کرد جنگلی قهمی هستم ولی در رسوم نیلی و عشرتی تجر بها دارم تا اینکه دولة و ولای ملة اتحاد با حقیقتی نداشته باشند و حکم به تبید و گرفتاری اینها